

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

کلام در مورد این فرمایش مرحوم محقق حلی در شرایع بود که برای طوایفی فرمودند که ارتزاق از بیت المال برای آنها جایز است، در مفردات آن صحبت می کردیم که به صاحب دیوان رسیدیم.

صاحب دیوان در مصطلح قدیم بنا بر آنچه در متون فقهی ما هست از جمله مرحوم محقق نجفی در جواهر (ج 40 ص 54) مطرح کرده اند، می فرمایند صاحب کتاب الذی یجمع فیہ اسماء الجند و القضاة و المدرسین و غیرهم من المترزقه یعنی در حقیقت کسی بوده که لیست اسامی مصارف بیت المال دست او بوده است شامل لشکریان و همچنین مدرسین و مأموران تعلیم آداب و سنن و هرکسی که جزو مرتزقه بوده (از جمله قضاة) اسامی این ها در آن دیوان یعنی کتاب آمده است.

امروزه بخش از این وظایف را وزارت دارایی در حکومت اسلامی عهده دار است یعنی مصارفی که هست، درآمدهایی که از بیت المال هست اما مصارفی که باید صرف بشود عمدتاً در همان سازمان برنامه و بودجه متصدی می شود. بخشی در جهت اخذ درآمدها است که وزارت دارایی است و بخشی هم مربوط به خرج است که به سازمان برنامه و بودجه مربوط می شود. بنابراین خود صاحب دیوان هم مثل قضاة و جنود از جمله مرتزقه است.

عنوان دیگر هم والی بیت المال است که متصدی خزانه داری است که در گذشته امر خیلی پیچیده ای نبود بلکه اموال بیت المال عمدتاً نقود و درهم و دنانیر بود و این اعیان را به بیت المال تحویل می دادند و آن جا والی داشت، اما امروزه معادل آن بانک مرکزی و خزانه داری است و نگه داری با آنها است و در اخذ و نگهداری اموال مباشرت دارند.

عنوان بعدی من یکیل للناس و یزن است، کالاهایی که مردم می خواهند بفروشند در مواردی برای آنها کیل و وزن لازم است، مکیلات را با کیل، موزون را باوزن باید بسنجد؛ شاید در ذهن بیاید چرا این شخص یعنی متصدی کیل یا وزن باید از بیت المال ارتزاق کند؟ شاید به جهتی استبعاد داشته باشد که امروزه هم مراکز باسکول و وزن هست و معنایی ندارد که از بیت المال ارتزاق کند؛ اما در آن زمان ها همه مردم این طور نبوده که وسائل کیل و وزن داشته باشند و تنها عده ای داشتند که سایرین به آنها مراجعه می کردند برای همین فرمودند که چون اینها کار عموم را راه می اندازند از بیت المال ارتزاق کنند. لذا مرحوم صاحب جواهر در همان آدرس می فرماید: «و قد عرفت احتمال اشتراط ذلک بالحاجه و اشتغالهم بهذه المسائل عن التکسب فی المعاش» این که بگوییم ارتزاق کیل و وزن کننده از بیت المال جایز است در صورتی است که اولاً به این کار نیاز عمومی باشد و همچنین کسانی که برای مردم کیل و وزن می کنند از تکسب خودشان باز می مانند نه این که به نحو مطلق بگوییم آنها حق ارتزاق از بیت المال را دارند. پس امروزه که همه مغازه ها وسیله کیل و وزن دارند و مراکز عمومی مثل باسکول هم یک شغل است نه این که این کار آنها را از تکسب باز بدارد بلکه آنها از همین محل روزی درمی آورند پس این مسأله از محل بحث امروزه خارج است.

بعد می فرماید من یعلم الآداب و السنن، کسی که آداب و سنن را یاد می دهد؛ البته در مورد تعلیم واجبات شرعیه به دیگران فقها فرمایش شان این است که به نحو کفایی واجب است و اگر واجب شد، اخذ اجرت بر آن جایز نیست «لانه یؤدی فرضاً» اما تعلیم آداب و سنن که مراد اخلاقیات و مستحبات است. تعلیم این ها از مصادیقی است که اگر کسی معلم الاخلاق و معلم السنن شد آن وقت بگوییم چون متصف به وجوب نیست، چه حکمی دارد؟ برخی از حضرات اجرت در برابر مستحبات را محل کلام می دانند که در این صورت محل ارتزاق از بیت المال است کما این که مرحوم محقق حلی هم همین را می فرمایند که این جا محل ارتزاق از بیت المال است. البته مرحوم محقق نجفی می فرماید اگر این معلم تمکن مالی دارد چنان چه از ارتزاق از بیت المال خود داری کند، اولی است.

همه این ها مبتنی بر این است که گرفتن اجر به نحوی از انحاء محل کلام است. تا برسیم به ادله حضرات و مناقشات آنها.

و الحمد لله رب العالمین

<http://feqhvaqaza.com>